

معرفی و توصیف اثر

کتاب مورد بحث، دارای یک مقدمه و دو بخش است. در مقدمه نویسنده اشاره می‌کند که این کتاب حاصل سال‌ها تدریس فلسفه اشراق در مقاطع گوناگون است. در بخش اول، نویسنده سعی می‌کند تصویری کلی از حکمت اشراق ارائه دهد و به بخش‌های اصلی فلسفه و نوآوری‌ها و تفاوت‌ها و شباهت‌هایش را با سایر نظام‌های فلسفی اشاره کند.

در بخش دوم، مؤلف اصلی‌ترین بخش کتاب حکمه‌الاشراق، یعنی قسم دوم کتاب را که الهیات است، گزارش می‌دهد. این قسم، دارای پنج مقاله است. نویسنده کوشیده گزارشی روان به فارسی از مسایل این مقالات به دست دهد. گویی ترجمه‌ای روان و تا حدی خلاصه، از مباحث قسم دوم ارائه کرده است. در پایان نیز نویسنده در سه صفحه، فرهنگ مختصری از اصطلاحات اساسی شیخ اشراق ارائه می‌دهد، با توضیحی یک خطی و بیان معادل انگلیسی آن.

طراحی جلد این کتاب طبق اسلوب سایر کتب انتشارات نگاه معاصر است. با همان ویژگی‌های خوب در صحافی. جنس کاغذ و صفحه‌آرایی داخل کتاب، در حد متوسط است. مخصوصاً از حیث اندازه فونت، و اندازه تیترها و نسبت تیترها به هم در مقایسه با اندازه متن اصلی، این کتاب دارای اشکالات اساسی است. به طوری که تیتراهای این کتاب، از حیث اندازه و هدینگ‌بندی صفحات، نیاز به بازبینی مجدد دارد.

این کتاب نثر مناسبی ندارد. برخلاف اصول یک کتاب آموزشی که ادعای کتاب است، عبارات کتاب گاهی به سبب نگارش نادرست، مغلق می‌شود. به این ویژگی‌ها علامت‌گذاری نادرست را هم اگر بیفزایید، شلختگی کتاب آزاردهنده می‌شود. این کتاب نیازمند یک ویرایش علمی و ادبی کامل است. هم‌چنین اغلاط تایپی نیز در کتاب بسیار است، از جمله: ص ۱۷ خط اول، ص ۲۰ خ آخر، و صفحات ۳۸، ۴۰، ۵۴، ۶۱، ۷۳. حتی در ص ۸۵، پاورقی اول، این اشتباه تایپی و جاافتادگی یک کلمه از جمله نقل شده از حکمه‌الاشراق، باعث شده معنای جمله کاملاً برعکس شود.

از نظر ارجاعات، این کتاب به هیچ وجه استانداردهای یک متن آموزشی را هم رعایت نکرده است. هیچ یک از سخنان نویسنده دارای ارجاعات علمی نیستند. در حالی که می‌توانست با ارجاعات کامل، یک منبع دایره‌المعارف‌گونه در سطح آموزشی، درباره فلسفه اشراق باشد. اما نویسنده برای هیچ یک از سخنانش ارجاع آکادمیک ارائه نمی‌کند.

^۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، mohammad.r.b20@gmail.com

شاید بتوان در یک جمله گفت: این کتاب محتوای خوبی دارد که در قالبی زشت ارائه شده است.

تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

معرفی تفصیلی این اثر

نویسنده در این اثر دغدغه ارائه یک متن آموزشی برای فلسفه اشراق در مقطع کارشناسی ارشد داشته است. او این کتاب را به گونه‌ای نوشته که مدخلی برای متن خوانی حکمه‌الاشراق باشد. به این منظور، در بخش اول کتاب، سعی کرده است فلسفه اشراق را معرفی کند. کتاب با اشاره به جایگاه تاریخی و معنا و مراد از حکمت اشراق آغاز می‌شود. سپس نویسنده شخصیت سهروردی و آثار فلسفی او را معرفی و بیان می‌کند. نویسنده لیست آثار سهروردی را با توضیحی مختصر درباره آثار اصلی ذکر می‌کند.

در ادامه نسب علمی و منابع حکمت اشراق بیان می‌شود. اشاره می‌شود که منابع دینی و زردشتی و یونانی چگونه بر حکمت اشراق موثر بوده‌اند. خصوصاً که سهروردی معتقد است چیز جدیدی نگفته است و حکمای پیشین، همین سخنان را گفته‌اند. با این حال، نویسنده به تاثیر افلاطون و اتولوجیا و حکمت اوستایی می‌پردازد و مواردی را برمی‌شمارد.

سپس نویسنده وارد آموزه‌های سهروردی می‌شود و می‌کوشد اشاره‌ای به تمام عناوین اندیشه‌های او بکند. او سعی کرده است مکتوبات اصلی و فلسفی سهروردی -مشائی و اشراقی- را معیار قرار دهد، و نگاهی هم به آرای منطقی و داستان‌های رمزی او داشته باشد. در ضمن بیان این آموزه‌ها، نویسنده به تفاوت فلسفه مشاء و اشراق می‌پردازد و تفاوت‌ها را در چند بخش نشان می‌دهد: در روش، منطق، طبیعیات، الهیات اعم و اخص، علم النفس و حکمت عملی.

در بیان آموزه‌ها، نویسنده ابتدا روش متفاوت شیخ اشراق را مطرح می‌کند و اشاره می‌کند که او شهود را به عنوان راه درک حقیقت در کنار استدلال به رسمیت شناخته است.

سهروردی در منطق، هم در تصورات و هم تصدیقات، نوآوری‌هایی داشته است؛ به عنوان مثال در توضیح حد تام، و در تحویل بردن قضایا به همدیگر.

سهروردی در طبیعیات نیز تغییراتی در نگاه مشائی ایجاد کرده است؛ مانند نفی هیولی و صورت نوعیه، نگاه متفاوت به کیفیت ابصار و کاستن عناصر اربعه به سه عنصر.

در الهیات عام، سهروردی در باب وجود و ماهیت و مسایل آن، تشکیک و تعداد مقولات، نگاه متفاوت‌تری از حکمت مشائی داشته است.

در الهیات اخص، سهروردی اصطلاحات متفاوت تری به کار می‌گیرد که در همان قالب مشائی است. اما با این حال، در بیان برخی مسایل مسیر متفاوت تری می‌پیماید. نحوه اثبات باری و علم خدا و قاعده امکان اشرف از مسایل تاثیرگذار سهروردی است. هم‌چنین او در باب تعداد عقول و مراتب عالم نیز سخن مشائیان را اصلاح می‌کند. سهروردی در این زمینه، عالم مثال را مطرح می‌کند که از نوآوری‌های حایز اهمیت او محسوب می‌شود.

مؤلف در ادامه به جهان‌شناسی سهروردی می‌پردازد و مراتب عالم را از نگاه او توضیح می‌دهد. هم‌چنین رابطه این مراتب را نیز توضیح می‌دهد. او به رابطه طولی این عوالم اشاره می‌کند و نحوه این ارتباط را هم بیان می‌کند.

نفس‌شناسی سهروردی نیز با نظر به جهان‌شناسی او معنا پیدا می‌کند. به حکمت عملی نیز سهروردی چندان نپرداخته است و این بخش در آثار او چندان جدی نیست.

در ادامه نویسنده به تاثیرات شیخ اشراق اشاره می‌کند که بر فلسفه‌های بعدی تاثیر گذاشته است. در این بخش به شارحان اشراقی و عرفا و مکاتب فلسفی و عرفانی بعدی اشاره می‌شود که از فلسفه اشراق متأثر شده‌اند. این بخش کتاب نیازمند اشارات صریح‌تر و ارجاعات و مثال‌هایی است که نویسنده بالکل از آن گذشته است. این باعث شده که این بخش کتاب بیشتر شبیه کلی‌گویی‌های آدم غیرمطلعی بنماید که در پی تکریمی بی‌پایه است.

مؤلف در فقرات دیگر کتاب، در ضمن بیان عوالم، به فرشته‌شناسی سهروردی نیز می‌پردازد و جایگاه اندیشه‌هایی نظیر عالم مثل و وحی و رویا و شهودات را با جهان‌شناسی خود تطبیق می‌دهد.

در بخش دوم کتاب، نویسنده وارد کتاب *حکمه‌الاشراق* می‌شود. سهروردی در کتاب *حکمه‌الاشراق*، به بیان مقدمه‌ای می‌پردازد و در ضمن آن، کلیات و مسایلی را مطرح می‌کند که در بخش ابتدایی این کتاب اشاره شده است. قسم اول *حکمه‌الاشراق* بیشتر درباره منطق است. در انتهای آن نیز سهروردی به برخی منازعات خودش با مشائیان اشاره می‌کند و در باب آن داوری می‌کند. در قسم دوم سهروردی بیشتر به الهیات اخص می‌پردازد و به اندیشه‌هایش در الهیات اعم نیز اشاره می‌کند.

نویسنده این کتاب، قسم دوم *حکمه‌الاشراق* را که شامل پنج مقاله است، خلاصه و بیان کرده است. او مطالب این پنج مقاله را به همین ترتیب که در *حکمه‌الاشراق* نقل شده، بازگویی می‌کند.

در انتهای کتاب، مؤلف ۱۵۰ اصطلاح از فلسفه اشراق را در حدود یک خط توضیح می‌دهد و معادل انگلیسی آن را نیز ذکر می‌کند.

ارزیابی این اثر

۱. مدخلی برای فلسفه اشراق

برای کسی که آشنایی خوبی با فلسفه اشراق ندارد، از جمله دانشجویان کارشناسی یا کارشناسی ارشدی که دنبال دریچه‌ای می‌گردند که از آن وارد حکمت اشراق شوند، این کتاب می‌تواند منبع مناسبی باشد. این کتاب کوشش کرده عمده نکات حایز اهمیت درباره فلسفه اشراق را بیان کند.

آنچه اهمیت این کتاب را بیشتر می‌کند، گزارشی است که در بخش دوم آن آمده است. برای کسانی که با حکمه‌الاشراق مأنوس نیستند، و توانایی مواجهه مستقیم را در بدو امر با این کتاب ندارند، این گزارش بسیار مفید خواهد بود. زیرا در این بخش می‌فهمیم در هر مقاله قسم ثانی و فصول آن، سهروردی در پی چه مطالبی بوده و از کجای هر فصل وارد مطلب جدیدی می‌شود و مدعا و استدلال و نقد و سخنان گوناگونش به چه صورت در پی هم آمده است.

چنین متن‌هایی بهترین تمرین برای متن‌خوانی مستقیم است. شبیه یک کتاب کمک‌درسی، این بخش ما را با حکمه‌الاشراق آشنا می‌کند تا متوجه طرز بحث سهروردی شویم و بتوانیم خودمان مستقلاً از آن بهره بگیریم.

۲. متن آموزشی

همان‌طور که ذکر شد، این کتاب یک متن آموزشی است. سطح مطالب و انتخاب مسایل و لحن کتاب نیز در همین راستا سعی شده پیش برود. این کتاب شبیه به جزوه‌ای است که از تدریس استاد استخراج شده است، و پس از نظم و نسق، تبدیل به کتاب شده است. این مطلب، گاهی مانند مزیت به نفع این کتاب تمام شده است، و گاهی مانند نقصی در آن عمل کرده است. چه اینکه اقتضائات کلاس درس و متن مکتوب، متفاوت است، و این‌ها به خوبی لحاظ نشده است؛ از جمله تکرار مطالب و طرز بیان و اموری از این دست.

الف) برخی از مواردی که در این کتاب ملاحظه شده و آن را به حد یک متن آموزشی خوب نزدیک کرده است، عبارت است:

- جدول و نمودار؛ این کتاب در موارد زیادی کوشش کرده است اطلاعات را در حالتی مصور و نموداری ارایه کند تا بتوان تصور سریع‌تر و ماندگارتری از مطالب داشت.
- سطح عمومی مطالب: در این کتاب مطالب خیلی دشوار دیده نمی‌شود. اما با توجه به اقتضای فلسفه، از مطالب عمومی و کلی تا گاهی استدلال‌های ریز و موشکافانه را دربرمی‌گیرد. اما با این حال، سطح عمومی مطالب می‌توانست بهتر از این هم باشد. در کل، بخش اول کتاب مطالب راضی‌کننده‌ای دارد.
- جامعیت: شاید نتوان نکته‌ای را درباره سهروردی انگاشت که در این کتاب مورد اشاره قرار نگرفته باشد. شاید ایجاز بیش از حد برخی مطالب هم، اقتضای این گونه کتاب‌ها باشد.

ب) اما با این حال، در این کتاب نقایصی وجود دارد که وجهه آن را به مثابه یک متن آموزشی مخدوش می‌کند. از این میان این مشکلات می‌توان به این چند مورد اشاره کرد:

- نثر نادرست و غیردقیق کتاب (در کنار مواردی دیگر که در بخش اول ارزیابی اشاره شد): در این کتاب ما شاهد این هستیم که گاهی عبارات به صورت مغلق بیان شده است و معنای جملات به خاطر ضعف بیان نویسنده دیریاب شده است. این امر با توجه ویرایش نادرست و چینش آشفته مطالب، تشدید هم شده است.
 - این معضل در بخش اول کتاب به گونه‌ای اثر گذاشته است، و در بخش دوم به گونه‌ای دیگر. در بخش دوم، نویسنده می‌توانست عبارات شیخ اشراق را گویاتر و روان‌تر و وفادارتر به فارسی معیار بیان کند. اما لحن کتاب چندان مناسب یک کتاب علمی قابل قبول امروزی هم نیست، چه برسد به یک متن آموزشی.
 - ارجاعات متن: این کتاب از نظر ارجاع‌دهی به منابع، بسیار ضعیف است. گویی به حد جزوه درسی صرف بودن بسنده شده است. در بخش کلیات، نویسنده وقتی آرای شیخ اشراق را بیان می‌کند، می‌تواند به آثار مختلف شیخ اشراق ارجاع بدهد و راه را برای مطالعه و تطبیق بیشتر دانشجو باز کند، اما چنین کاری انجام نشده است. حتی در مواردی که به اندیشه‌های فیلسوفان دیگر اشاره می‌شود، باز هم نویسنده ارجاعی نمی‌دهد. در باب مقایسه آرای ابن سینا و شیخ اشراق، یا در باب تاثیرات متقدمین بر شیخ اشراق، هم چنین درمورد تأثیر شیخ اشراق بر فیلسوفان دیگر، سخنان مستند به منبع درجه اول و درجه دومی نمی‌شود.
- بخش دوم این کتاب نشان می‌دهد نویسنده می‌خواهد دانشجو را به خود شیخ اشراق متصل کند تا خودش بتواند از منبع اصلی بهره ببرد. به همین دلیل انتظار می‌رفت در بخش‌های دیگر کتاب هم این روحیه مشاهده شود، که مغفول واقع شده است.

۳. فصل‌بندی نادرست و تکرار مطالب

یکی از مشکلاتی که بخش اول این کتاب درگیر آن است، تکرار برخی مباحث است. وقتی کتابی در ۹۰ صفحه قرار است تمام فلسفه اشراق را توضیح بدهد، محلی برای تکرار دوباره و چندباره یک بحث باقی نمی‌ماند. اما بحث مراتب عالم در این کتاب، چندین بار طرح می‌شود. در هر بار، نکته‌ای افزوده می‌شود و بصیرتی تازه به دست می‌آید، اما با این حال بخش عمده بحث تکراری است.

چیزی که به این مشکل دامن زده است، فصل‌بندی نادرست کتاب در بخش اول است. فصل‌بندی این کتاب به گونه‌ای است که اگر دنبال توضیح مطلبی باشید، دشوار است که جای درست آن را بتوانید از روی فهرست تشخیص دهید. مثلاً در عنوان اصطلاحات خاص اشراقی، برخی از توضیحات نفس‌شناسی و جهان‌شناسی سهروردی ذکر شده است. در تفاوت او با حکمت مشاء نیز پاره دیگر همین توضیحات آمده است.

این کتاب می‌توانست به صورت دیگری تدوین شود. به عنوان مثال، تصویر کلی از اندیشه‌های شیخ اشراق به صورت کامل بیان شود، و در ضمن آن یا در بخشی پس از این توضیح کامل، نوآوری‌ها و اصطلاحات جدید و تفاوت‌های او با سایرین ذکر شود.

۴. چند پیشنهاد

این کتاب می‌توانست راه را برای مطالعه عمیق‌تر فلسفه اشراق، بیشتر باز کند. به عنوان مثال، آیا شیخ اشراق دریاب مسایل جدید فلسفی، می‌تواند رهیافتی پیش روی ما قرار دهد؟ چرا فلسفه اشراق را می‌توان هنوز جدی گرفت؟ این مسایل در کتبی که دیگران درباره فلسفه اشراق نوشته‌اند، موجود است. نویسنده لیستی از این گونه کتاب‌ها در انتهای کتاب آورده است. اما اقتضای متن‌های آموزشی مدرن این است که این منابع توضیح داده شود تا دانشجو بداند جایگاه هر یک از آن‌ها چیست و برای چه نیازهایی می‌توان سراغ آن‌ها رفت. در کل، مؤلف می‌توانست زمینه را برای انس هم‌دلانه با فلسفه اشراق، بیش از این فراهم کند.

این کتاب می‌تواند با ویرایشی علمی و ادبی، رضایت بیشتری برانگیزد.

ارزیابی نهایی

در مجموع این اثر همان طور که مؤلف آن در پیش‌اش بوده است، یک اثر آموزشی برای فلسفه اشراق است. با توجه به کمبود منابع آموزشی دانشگاهی استاندارد، این کتاب اهمیت بالایی دارد. با این حال، در کنار مزایا، نقایص این کتاب را نمی‌توان نادیده گرفت. در هر صورت، این کتاب یکی از بهترین کتاب‌ها برای این هدف است.

شاید با یک بازبینی مختصر، بتوان سطح کیفی این کتاب را ارتقای زیادی داد. چرا که بیشتر راه در این کتاب پیموده شده است. یک بازبینی صوری، می‌تواند کتاب حاضر را در وضعیت بسیار خوبی قرار دهد.